

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله - ای بلبلان الهی از خارستان ذلت بگلستان معنوی بشتابید و ای یاران ترابی قصد آشیان روحانی فرمائید

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



ای بلبلان الهی از خارستان ذلت بگلستان معنوی بشتابید و ای یاران ترابی قصد آشیان روحانی فرمائید
مژده بجان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای گلزار قدم را گشوده چشمها را بشارت
دهید که وقت مشاهده آمد و گوشها را مژده دهید که هنگام استماع آمد دوستان بوستان شوق را خبر
دهید که یار بر سر بازار آمد و هدهدان سبا را آگه کنید که نگار اذن بار داده ای عاشقان روی
جانان غم فراق را بسرور وصال تبدیل نمائید و سمّ هجران را بشهد لقا پیامیزید اگرچه تا حال عاشقان از
پی معشوق دوان بودند و حبیبان از پی محبوب روان در این ایام فضل سبحانی از غمام رحمانی چنان
احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق مینماید و محبوب جوای احباب گشته این فضل را غنیمت
شمرند و این نعمت را کم نشمرند نعمتهای باقیه را نگذارید و باشیای فانیه قانع نشوید برقع از چشم قلب
بردارید و پرده از بصر دل بردرید تا جمال دوست بی حجاب ببینید و ندیده بینید و شنیده بشنوید

ای بلبلان فانی در گلزار باقی گلی شکفته که همهء گلها نزدش چون خار و جوهر جمال نزدش بی مقدار
پس از جان بخروشید و از دل بسروشید و از روان بنوشید و از تن بکوشید که شاید ببوستان وصال



ORIGINAL



AUDIO

درآئید و از گل بی‌مثال بی‌وئید و از لقای بی‌زوال حصه برید و از این نسیم خوش صبای معنوی غافل نشوید و از این رائحهٔ قدس روحانی بی‌نصیب نمانید این پند بندها را بگسلد و سلسلهٔ جنون عشق را بجنباند دلها را بدلدار رساند و جانها را بجانان سپارد قفس بشکند و چون طیر روحی قصد آشیان قدس کند چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقتها که باآخر رسید و چه ساعات که بانتها آمد و جز باشتغال دنیای فانی نفسی برنیامد سعی نمائید تا این چند نفسی که باقی ماند باطل نشود عمرها چون برق میگذرد و فرقا بر بستر تراب مقرر و منزل گیرد دیگر چاره از دست رود و امور از شصت شمع باقی بی‌فانوس روشن و منیر گشته و تمام حجات فانی را سوخته ای پروانگان بی‌پروا بشتابید و بر آتش زیند و ای عاشقان بیدل و جان بر معشوق بیائید و بی‌رقیب نزد محبوب دوید گل مستور بازار آمد بی‌ستر و حجاب آمد و بکل ارواح مقدسه ندای وصل میزند چه نیکو است اقبال مقبلین فهیناً للفائزین

بأنوار حسن بدیع